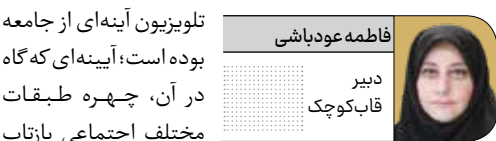




پزشکان در قاب تلویزیون از واقعیت تا روایت



فاطمه عودباشی
دبیر
قاب کوچک

یافته و گاه تصویری آرمانی یا متفاوت از آنها ارائه شده است.

در میان مشاغل و اقشار گوناگون، پزشکان ازجمله گروه‌هایی هستند که همواره برای فیلمنامه‌نویسان و کارگردانان جذابیت داشته‌اند؛ چراکه زندگی آنان، آمیزه‌ای از علم، احساس، تعهد و تصمیم‌های دشوار انسانی است.

از همین رو سریال‌هایی در تلویزیون به زندگی پزشکان اختصاص یافته است؛ آثاری که هر یک کوشیده‌اند تصویری از دنیای پر رمز و راز درمان، بیمارستان و روابط انسانی در دل آن ترسیم کنند.

در دهه‌های گذشته، مخاطبان تلویزیون با شخصیت‌های متنوعی از پزشکان روبه‌رو شده‌اند؛ شخصیت‌هایی که هریک، فارغ از نام و عنوان سریال، بخشی از دغدغه‌ها، چالش‌ها و آرزوهای جامعه پزشکی را به تصویر کشیده‌اند.

در این میان، برخی آثار با استقبال گسترده‌تری همراه شده و در حافظه جمعی مخاطبان ماندگار مانده‌اند. بخشی از این موفقیت، به روایت انسانی و ملموس فیلمنامه‌ها بازمی‌گردد و بخش دیگر به ایفای نقش‌های باورپذیر توسط بازیگرانی که توانسته‌اند میان تخصص و احساس، مرزی واقعی ترسیم کنند.

در چنین سریال‌هایی، پزشک تنها یک «شغل» ندارد، بلکه به‌عنوان شخصیتی چندوجهی به تصویر کشیده می‌شود؛ انسانی که در کنار مسئولیت درمان بیماران، با بحران‌های اخلاقی، فشارهای روانی، مشکلات خانوادگی و دوگانگی‌های درونی نیز دست‌وپنجه نرم می‌کند.

این تصویر چندلایه، باعث شده که مخاطب، پزشک را نه تنها به‌عنوان قهرمان سفیدپوشی که در اتاق جراحی حضور دارد، بلکه به‌عنوان انسانی از جنس خود ببیند؛ انسانی باضعف‌ها، تردیدهاو احساسات. در عین حال، باید پذیرفت برای این‌که تصویر پزشکان در تلویزیون، همواره بازتابی کامل از واقعیت باشد، گاه فیلمنامه‌ها با تکیه بر جنبه‌های دراماتیک، از فضای واقعی بیمارستان‌ها بهره‌برند.

از سوی دیگر این طیف از جامعه به‌حدی گسترده است که می‌توان آثار متفاوتی در این باره ساخت، زیرا ما در کشورمان پزشکان مطرح کم نداریم که اکنون به‌عنوان چهره ملی در کشور محسوب می‌شوند و می‌توان زندگی آنها را در قالب مجموعه جذاب و دراماتیک ساخت. این روزها نیز با پخش سریال «رویای ریحانه»، بار دیگر فضای بیمارستان و جهان پزشکی را مشاهده می‌کنیم.

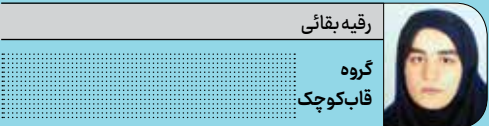
در چنین آثاری، ببیننده شاهد زندگی گروهی از پزشکان است که در کنار فعالیت‌های حرفه‌ای با مسائل خانوادگی، عاطفی و اجتماعی نیز روبه‌رو می‌شود. شاید راز ماندگاری چنین آثاری در همین تلفیق باشد؛ در تلاقی دنیای عقلانی علم با جهان احساسی انسان.

تلویزیون از رهگذر این روایت‌ها، نه تنها به معرفی زندگی شغلی پزشکان می‌پردازد، بلکه در لایه‌های عمیق‌تر، گفت‌وگویی میان جامعه و اهل طب برقرار می‌کند؛ گفت‌وگویی که از دل داستان‌ها سر برمی‌آورد و به درک متقابل میان مردم و پزشکان یاری می‌رساند.

از این منظر، مرور و بازخوانی سریال‌هایی که طی سال‌های گذشته درباره پزشکان ساخته شده، فرصتی است برای بررسی نگاه تلویزیون به قشر فرهیخته‌ای که در عین خدمت به سلامت جامعه، خود نیز با مسائل اجتماعی و فرهنگی فراوانی مواجه است.

در پرونده این هفته، تلاش خواهیم کرد از زاویه‌ای تحلیلی به این موضوع بنگریم؛ پزشک در تلویزیون چگونه روایت شده است؟ چه میزان از این تصویرسازی، به واقعیت‌های حرفه‌ای و اخلاقی نزدیک است؟ و چرا مخاطبان همچنان از تماشای قصه‌های پزشکان خسته نمی‌شوند؟

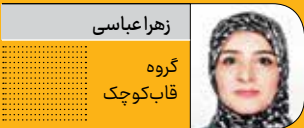
مسیر گویندگی رادیو با حفظ قرآن شروع شد



زهرا عباسی
گروه
قاب کوچک

این بخش از قاب کوچک، اختصاص دارد کسانی که با عشق وارد این رسانه شدند، زیرا اعتقاد دارند در سپهر رسانه، هنوز رادیو جایگاه ویژه و خاصی دارد.

در این ستون با این افراد به گفت‌وگو و از چگونگی ورودشان به



زهرا عباسی
گروه
قاب کوچک

محیط بیمارستان و تلاش بی‌وقفه کادر درمان برای نجات بیماران در موقعیت‌های حساس مرگ و زندگی همیشه از سوژه‌های دراماتیک و پرهیجان فیلمسازی بوده است. تقابل بیماران و پزشکان در شرایط اورژانسی، سوژه‌هایی جذاب و پرکشش برای روایت داستانی خلق می‌کند. آثار تلویزیونی به دلیل گستره وسیع مخاطبان بیشتر زیر ذره‌بین قرار دارند و همین، کارسازندگان آثار نمایشی را سخت‌تر می‌کند. بنابراین انتظار می‌رود که پرداخت دقیق‌تر و واقع‌گرایانه‌تری در شخصیت‌پردازی و فضاسازی داشته باشند. با توجه به روی آنتن بودن «رویای ریحانه» و پیش از آن، سریال‌هایی چون «ذهن زیبا» و «آنا»، شاهد افزایش توجه به طیف جامعه پزشکی در آثار نمایش هستیم. به همین دلیل، با چند تن از عوامل این سریال‌ها گفت‌وگو کرده‌ایم تا از نزدیک با دغدغه‌ها و تلاش‌هایشان در خلق این آثار آشنا شویم و بدانیم چگونه سعی کرده‌اند به واقعیت نزدیک شوند و اثری ماندگار بسازند.

چالش بازی در نقش مدیر زایشگاه

نیلوفر شهیدی، بازیگر نقش زهرا صادقی در سریال «رویای ریحانه» درباره تجربه بازی در این اثر گفت: گرچه در اثر کوتاه دیگری، تجربه بازی در نقش دکتر بیولوژیک را داشتم اما بازی در نقش زهرا صادقی، مدیر زایشگاه خیره فرشته برای من چالش‌های خاصی داشت. این نقش، برخلاف نقش طولانی‌تری که در آن عمیق‌تر به زندگی شخصیت وارد می‌شدم، چالش‌هایی از جنس مسئولیت‌مدیریتی و ارتباط عاطفی شدید با بیمارستان و زایشگاه داشت. این مکان برای صادقی فقط محل کار نبود، بلکه جایی مثل خانه بود که از پدر به او ارث رسیده و البته در آن بزرگ شده و حالا به‌عنوان پزشک، ادامه‌دهنده راه پدر بود. سعی کردم برای نمایش بهتر نقش، به پیچیدگی‌های روحی و مسئولیت‌های او توجه کنم. شهیدی با مرور تجربیاتی که برای رسیدن به نقش خود در این سریال داشته، ادامه داد: در زندگی شخصی، با چند پزشک از دوستان نزدیکم مواجه داشتم که در شیفت‌های شبانه و بیداری‌های طولانی، لحظه‌به‌لحظه با جان انسان‌ها سروکار داشته و دارند. البته فضای کار در زایشگاه هم این امر را جذاب‌تر می‌کند؛ چون هر روز، زندگی جدیدی پا به دنیا می‌گذارد. یکی از دوستانم که تخصصش زنان و زایمان است، برابم داستان جالبی تعریف کرد. گفت که برای او بعد از سال‌ها کار در این حوزه هنوز هم هربار که قرار است زایمانی انجام

دهد، همان حس روز اول را دارد و بچه‌ای که به دنیا می‌آید، همیشه اولین کودکی است که می‌بیند. سعی کردم از این تجربیات و داستان‌هایی که او برابم تعریف کرده استفاده کنم تا شخصیت را بهتر و پررنگ‌تر نشان دهم. بازیگر نقش زهرا صادقی، مدیر زایشگاه در رویای ریحانه عنوان کرد: فداکاری و ایثارگری، به نظر، از اصلی‌ترین ویژگی‌های یک پزشک است؛ چرا که مسئولیت جان انسان‌ها برعهده آنهاست و این فراتر از یک شغل معمولی است. در رؤیای ریحانه، زهرا صادقی یک شخصیت چندوجهی پویا و پرجالش است که با مردم و شرایط مختلفی مواجه می‌شود. این شخصیت مسئولیت‌های مختلفی دارد؛ اول به‌عنوان همسر، بعد به‌عنوان مدیر زایشگاه و همچنین به‌عنوان کسی که این مکان را به ارث برده و می‌کوشد



آن را حفظ کند. علاوه بر این، او مادر هم هست. همسرش نیز نقش مهمی در زندگی او دارد و آنها کنار هم هستند. اتفاقات زیادی برایش رخ می‌دهد که بسیار پرتنش است و از آنجا که هنوز بخش‌هایی از داستان شروع نشده‌اند امکان صحبت از آنها وجود ندارد. وی درباره نقشی که بازی می‌کند و چالش‌هایی که در این سریال سعی کرده به واقعیت نزدیک باشند، افزود: در ادامه سریال موضوعاتی مثل اضافه‌شدن بخش‌ای وی اف (IVF) به زایشگاه مطرح می‌شود. از آنجا که ورود به مباحث تخصصی پیچیدگی‌ها و حساسیت‌های زیادی دارد شخصا تحقیق و پرس‌وجو کردم تا اطلاعاتی که ارائه می‌دهیم دقیق و درست باشد و هیچ چیزی را بی‌اساس نگویم. مساله فرزندآوری در جامعه امروز بسیار مهم است و سعی کردم با دقت روی این مسائل کار و از منابع مختلف اطلاعات جمع‌آوری کنم تا خدای ناکرده اطلاعات نادرستی به مخاطب منتقل نشود.

دنیای رادیو می‌پرسیم. برای این شماره با شهناز محبی، گوینده شبکه رادیویی گفت‌وگو هم صحبت شدیم. او که تا امروز برنامه‌های متعددی را در شبکه‌های رادیویی اجرا کرده است؛ قصه رادیویی‌شدنش را این‌طور می‌گوید: زندگی من در بندرعباس، در خانه‌های سازمانی نیروی دریایی، به شکلی آرام و بدون هیاهوی اجتماعی سپری می‌شد. همسر من ناخدا ی نیروی دریایی بود و یک فرزند داشتیم. هیچ‌گاه کارمند نبودم و بیشتر وقت خود را در خانه سپری

می‌کردم اما علاقه به قرآن و معارف اسلامی من را به کلاس‌های خانم مظفری کشاند؛ بانویی که در حوزه عقیدتی – سیاسی نیروی دریایی فعالیت و کلاس‌های حفظ و تفسیر قرآن برگزار می‌کرد. وی ادامه می‌دهد: در این کلاس‌ها، علاوه بر حفظ قرآن، احادیث بسیاری را نیز به خاطر سپردم. خانم مظفری همیشه می‌گفت: «هرکس ۵۰ حدیث حفظ کند، مسیر فهم از عقل به زبان و از زبان به عقل را طی می‌کند.»

گفت‌وگوی «قاب کوچک» با هنرمندان درباره تلاش‌ها و خلاقیت‌های شان در خلق آثار نمایشی مرتبط با حوزه پزشکی



داستانی

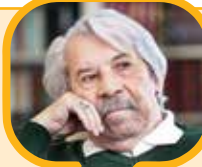
امیرعباس پیام، سرپرست تیم نویسندۀ چندوقعت اخیر با موضوع درمان و پزشکی قدردانی از سمانه نامدار، دیگر نویسنده اد با تحقیقات دقیق و گسترده‌ای ساخته ش

این سریال بیش از یک سال با پزشکان، مدیران مراکز درمانی به‌ویژه مرکز پیشرفته در زمینه سلول‌های بنیادی و ناپاوری پپی همکاری شد. بسیاری از قصه‌ها نیز برگرفته از پرونده‌ها واقعی کادر درمان هستند که با کم نویسندگان به جزئیات دراماتیک شده‌اند. البته یکی از نکات در پرداخت شخصیت‌ها(پزشکان، پرستاران و کادر درمان) این است که باید دقت داشت که این افراد هم مثل بقیه مردم دغدغه‌های روزمره دارند؛ مشکلات مالی، اختلافات خانوادگی و مسائل



مهدی موشیری

این هنرمند در اواخر دهه ۶۰ در سریال «پزشکان» نقش یک پزشک جراحی، نقش یک پزشک را ایفا کرده بود؛ این سریال به کارگردانی مسعود فروتن ساخته شده بود و با اقبال مخاطبان هم روبه‌رو شد.



زهره یغمای‌هاوند در شهیدی

این هنرمند در سریال تلویزیونی «پزشکان» نقش یک پزشک کاربند، مهربان و حاذق را ایفا کرده بود. این سریال به کارگردانی مسعود گرامتی ساخته شده بود.



بهروز پاشای‌خواه

این هنرمند در سریال طنز «ساختمان پزشکان» نقش یک پزشک جراحی زیبایی را برعهده داشت که از شبکه سه پخش شد. این سریال به کارگردانی سروش سحت ساخته شده است.



زهره یغمای‌هاوند در قارخ

این هنرمند در سریال «اغما»، یکی از مجموعه‌های پر مخاطب شبکه یک در نقش یک پزشک متخصص مغز و اعصاب به ایفای نقش پرداخت که به کارگردانی سیروس مقدم تولید شد.

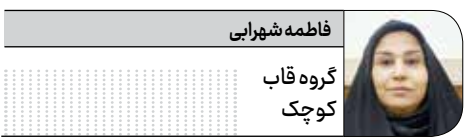
یادداشت

بازیگرانی که لباس پزشکی به تن کردند

در طول این سال‌ها بازیگران بسیاری با ایفای نقش پزشک در سریال‌های تلویزیونی، چهره‌های انسانی و گاه ترازیک از طبابت را به نمایش گذاشتند؛ در این بخش مروری کوتاه بر این نقش‌ها داریم.

روایت مردی که صدای اراده را به آنتن رساند

از جبهه تا رادیو ورزش



فاطمه شهریابی
گروه قاب
کوچک

در «روز جهانی عصای سفید»، پای صحبت مردی نشستیم که زندگی‌اش تجسم عینی شعار «معلولیت، محدودیت نیست» است. حمید بهمنی، رزمنده، خبرنگار، تصویربردار جنگ و اکنون تهیه‌کننده رادیو ورزش، با چشمانی که در میدان نبرد از دست داد، اما با نگاهی روشن‌تر از همیشه، صدای توان‌یابان و



حمید بهمنی

۴ پس از ناپینایی، چگونه توانستید مسیر حرفه‌ای خود را در رسانه ادامه دهید؟

ناپینایی هرچند یک ضایعه بزرگ است، اما من هیچ‌وقت تسلیم نشدم. از همان ابتدا به خودم گفتم «حمید! چشم‌هایت را از دست دادی اما هنوز می‌توانی ببینی؛ بادل، با ایمان و با صدا» من به صدا پناه بردم، چون باور داشتم می‌توان با گوش شنید و با دل دید. با اتکا به خدا و حمایت همکارانم در صدا و سیما، فعالیت خود را به عنوان تهیه‌کننده ادامه دادم. می‌خواستم نشان دهم معلولیت، پایان راه نیست؛ گاهی آغاز فصل تازه‌ای از خدمت و تلاش است.

۴ در حال حاضر چه نقشی در رسانه ملی دارید؟

تهیه‌کننده شبکه رادیویی ورزش هستم. خوشبختانه با حمایت مدیران سازمان، مسئولیت تولید برنامه‌ای را بر عهده دارم

برابر دشمن. در سال ۱۳۴۲، در عملیات «والفجر»، از ناحیه پا و ریه مجروح شدم، اما آن جراحات‌ها برابم نشان افتخار بود، نه مانع.

۴ شما در جریان جنگ تحمیلی مجروح شدید، اما ناپینایی‌تان بعدها اتفاق افتاد. لطفا در مورد آن حادثه تلخ بگویید.

بله، ناپینایی من سال‌ها بعد از دفاع مقدس رخ داد. در سال ۲۰۰۳ میلادی، همزمان با حمله آمریکا به عراق، برای پوشش خبری آن تحولات به عنوان خبرنگار و تصویربردار اعزام شدم. ناگهان حمله‌ای رخ داد. در آن حمله جمعی از خبرنگاران کشته شدند. اما خودم همان روز در بصره، بر اثر موج انفجار و تشعشعات راديوکتيو آسیب دیدم. بعد از بازگشت به کشور، مشخص شد هر دو چشم بینایی خود را از دست داده‌اند. آن حادثه، پایان یک مرحله از زندگی من و آغاز دوره‌ای تازه بود.